



حمید سبزواری (شاعر) امیر حسین فردی (نویسنده) ابوالفضل علی (کالیگرافست) حسن شایانپار (محقق) شهید رسول کافیزاد (نگار) شهید احمد زارعی (شاعر) مهرداد اوستا (شاعر) سوزنیان فیاضی (کالیگرافست) حبیب‌الله معلمی (شاعر) علیرضا نژاد (شاعر) محمد علی کوبینی (نویسنده) علی محمد مودب (شاعر) محمد مهدی سیار (شاعر) سینژین وحبیدی (شاعر) لیدر صلیواتیان (نویسری)

آقای اسماعیلی لطفاً برای آغاز گفت‌وگو بفرمایید که از نظر شما آرمان و ایده‌آل حکمرانی نظام اسلامی در حوزه فرهنگ و هنر چگونه باید باشد؟

ضمن سلام خدمت عزیزان و همکارانمان در مؤسسه کیهان، جادار همین ابتدا از همه همراهی‌ها و حمایت‌هایی که این مجموعه از کل دولت شهید رئیسی داشتند یاد کنم. شاید بارها این جمله را از آیت‌الله شهید ابراهیم رئیسی شنیدم که زبان به تمجید از همکاری دوستان خوبمان در روزنامه کیهان به‌ویژه آقای شریعتمداری کشودند و بارها به من پیام می‌دادند که «از ایشان تشکر ویژه کنید.» و در آن دوره که به هر حال فضای رسانه‌ای، عموماً با دولت همراه نبود، کیهان این حمایت را از شخص آیت‌الله شهید و دولت ایشان داشتند. بعد از شهادت ایشان نیز در یک سال اخیر انصافاً این مسیر را ادامه دادند که من جا دارد از این فرصت استفاده کنم و این تشکر را به عنوان وظیفه خودم اعلام نمایم.

حوزه فرهنگ در جمهوری اسلامی با یک ایده‌آل‌های مهمی شکل گرفته است، چون اساساً انقلاب ما یک انقلاب فرهنگی است. به طور مثال در حوزه جامعه‌شناسی انقلاب و قبل از پیروزی انقلاب، نظریه‌ها عمدتاً مبتنی بر مباحث ساختاری و اقتصادی – چه با نگاه‌های مارکسیستی چه نگاه‌های غیرومارکسیستی – بود و بیشتر موضوعاتی مثل تضاد طبقاتی و جبر تاریخی و… را در نظر می‌گرفتند. اما در ادبیات علوم سیاسی نگاه فرهنگی به انقلاب‌ها با انقلاب اسلامی اتفاق افتاد؛ چون اساساً زمینه‌های پیدایش انقلاب اسلامی فرهنگی-دینی بود و در عین حال رهبران هم شخصیت‌های برجسته فرهنگی بودند. برای نمونه امام‌راحل عظیم‌السان ما در دهه سوم و چهارم حیات شریف خود مهم‌ترین کتاب‌های عرفانی تفسیری را نوشتند. یک شخصیت فرهنگی جای دیگر رهبر هنر انقلاب است که یک نویسنده و ادیب برجسته هستند و در دهه ۴۰ مهم‌ترین آثار فرهنگی را در حوزه دولت اسلامی از اندیشمندانش غیرایرانی ترجمه کردند و این افتخار بزرگی است. یا سطح ارتباطشان با فرهیختگان؛ مثل خاطراتی که جلال آل‌احمد از روابط با ایشان داشته. همچنین هر سال بزرگ‌ترین مخالف شری در مضمر ایشان تشکیل می‌شود؛بعنی از جلسات که حضور داشتیم نزدیک به ۶ ساعت ادامه یافت. و یا یازده‌بدهای خست‌جسته و دقیق از نمایشگاه کتاب و…

با توجه به انقلابی که در این سطح از مطالبات فرهنگی گسترده بوده اما وقتی شما وارد حوزه عملکرد می‌شوید، نسبت خیلی مستقیمی بین حوزه اجرا و عملکرد با این منویات و این مثنی و این سلوک حکمرانی وجود ندارد به همین دلیل نیز اغلب معطله در طول این سال‌ها از حوزه فرهنگ و محصولات فرهنگی مطالباتی را بیان می‌کردند. گاهی ابراز نارضایتی می‌کردند، با حضور شخصیتی مثل آیت‌الله رئیسی اما این توقع بود که حالا اگر یک شخصیتی که شاگرد رهبر انقلاب است و خودش قیفی معتجده است، کاملاً قرار از سیره و سلوک و حکمرانی مبتنی بر گفتن‌ان انقلاب اسلامی را پیاده کند، طبیعتاً این توقع به‌وجود آمد که حوزه فرهنگ و هنر هم درقیاس با دوره‌های قبل بیشترین نسبت را به مبانی انقلاب پیدا کند.

این در واقع مطالبه درستی بود که جبهه انقلاب و من و رفقای‌ا داشتیم هم سال ۹۴ و هم ۱۴۰۰ برنامه‌های فرهنگی-اجتماعی آیت‌الله رئیسی را تحت نظارت ایشان برای حضور در انتخابات تدوین و تنظیم و منتشر کردم. در آسان قدس از طرف ایشان رئیس دفتر تحقیقات فرهنگی اجتماعی بودم و در قوه قضائیه همفکر حوزه کارهای فرهنگی رسانه‌ای و مرتبط با ایشان را دنبال می‌کردیم. کاملاً نسبت به مثنی قفزی و فرهنگی آیت‌الله شهید یک تجربه عینی و عملی داشتم. به همین دلیل توقع این بود که این نوعی که احساس می‌کردیم در حوزه حکمرانی فرهنگی وجود دارد را بتوانیم برطرف کنیم و حرکت روبه جلو داشته باشیم.

قبل از آن، چه نسبتی‌بین یین عملکرد فرهنگی دولت و آرمان‌های انقلاب در حوزه فرهنگ وجود داشت؟

می‌خواهم این ادعا را داشته باشم و با قطع یقین عرض می‌کنم که در برخی از دوره‌های ۸ ساله، مثنی فرهنگی دولت‌ها هیچ نسبتی با آرمان‌های انقلابی نداشته است؛ گاهی از من می‌پرسیدند دلیل شکاف نظری بین اندیشه‌های رهبر انقلاب به عنوان سیاستگذار اصلی و کلان کشور در حوزه‌های مختلف به‌ویژه حوزه فرهنگی با نگاه آن دولت‌ها و شخصیت‌های مسئول در آن دولت‌ها چیست؛ پاسخ، شکاف تعمیق پیدا کرده میان آرمان‌های نظام حکمرانی و اهداف نظام جمهوری اسلامی یا عملکرد حوزه اجرایی بوده است. به طور مثال وزیر ارشاد اول دولت آقای هاشمی در پی اعتراضات مکرر رهبر انقلاب و جریان‌های مذهبی مجبور به استعفا شد اما همین آدمی که آن روز به دلیل این شکاف‌های نگاه فرهنگی از دولت استعفا داده بود، ۸ سال بعد رئیس‌جمهور به‌ویژه فرهنگ، طبیعی است که آن بن‌مایه‌های متفاوت، زمینه ظهور و بروز بیشتری پیدا کند. دو نگاه به دولت و حکمرانی وجود داشت، نگاهی به عنوان ناظر تنظیم‌گر و نگاه دیگری به عنوان حامی حوزه فرهنگ. قبل از این‌ها رئیس یک نگاه جدی در بخش‌های مهمی وجود داشت که دولت را در حوزه فرهنگ نافی هر نوع نقشی می‌دانست. به همین دلیل تلاش می‌کردند مدیریت دولت و حاکمیت در حوزه فرهنگ نافی هر نوع نقشی می‌دانست. به همین دلیل برای نمونه آقای حسین صفارهرندی که سابقه حضور در کیهان هم دارند، در سال ۱۳۸۴ وزیر وزیر فرهنگ شده بودند

میراب، خمیده و فانوس به دست، تاریکی قنات را می‌شکافت و پیش می‌رفت. ارتفاع آب زیر قوزک پایش بود. قنات، اکسیرن خفهای داشت. خمیده رفتن میراب، مد و بازدمش را سخت می‌کرد؛ با این حال باید درون آن لوله خاکی تاریک، که هفت متر زیرزمین بود، پیش می‌رفت و علت کم شدن آب را پیدا می‌کرد. ارتفاع آب در حالت طبیعی از زانو بالاتر می‌آمد، اما حالا از قوزک پا پایین‌تر رفته بود.

ایسن اتفاق، خبر از وقوع مایعی بزرگ سَر راه آب می‌داد. کمی جلوتر، اکسیرن قنات کم و کمتر شد و فانوس صفارهی را نمایان کرد؛ وسط قنات، صخره جریان آب را سد کرده بود. بزرگی‌اش نشان می‌داد در اثر ریزش قنات است. جریان تند آب، آن را تا این‌جا آورده بود. در این‌جا هم اگر قنات قنات تنگ نمی‌شد، جریان تند آب، صخره را با خود می‌برد. حالا صخره نه راه پس داشت، نه راه پیش. آب می‌آمد پشت صخره، انبار می‌شد.

میراب خوشحال از این که علت خشکی قنات را پیدا کرده، درنگی کرد و نفس خستماش را بیرون داد.

اقتصاد گردش پول در حوزه کتاب حدود ۲۵۰ میلیارد

تومان بود که البته آن روز با آن قیمت‌ها، وزارت فرهنگ سال ۸۴ برای تنظیم‌گری و نظارت و حمایت در حوزه کتاب ۸۰ میلیارد تومان در اختیار داشت، یعنی حدود یک‌سوم اما سال ۱۴۰۰ که من مسئول وزارت ارشاد گرفتم، اقتصاد کتاب چیزی حدود ۸۵۰۰ میلیارد شده بود که درصد رشدش چه به لحاظ قیمت و چه به لحاظ حجم اقتصادی که گسترش پیدا کرده اصلاً قابل قیاس نیست. درحالی که وزارت ارشاد ۳۰ میلیارد تومان برای تنظیم‌گری در اختیار داشت. در همین حوزه کتاب در دوره انقلاب اسلامی فرهنگی-دینی بود و در عین حال رهبران هم شخصیت‌های برجسته فرهنگی بودند. برای نمونه امام‌راحل عظیم‌السان ما در دهه سوم و چهارم حیات شریف خود مهم‌ترین کتاب‌های عرفانی تفسیری را نوشتند. یک شخصیت فرهنگی جای دیگر رهبر هنر انقلاب است که یک نویسنده و ادیب برجسته هستند و در دهه ۴۰ مهم‌ترین آثار فرهنگی را در حوزه دولت اسلامی از اندیشمندانش غیرایرانی ترجمه کردند و این افتخار بزرگی است. یا سطح ارتباطشان با فرهیختگان؛ مثل خاطراتی که جلال آل‌احمد از روابط با ایشان داشته. همچنین هر سال بزرگ‌ترین مخالف شری در مضمر ایشان تشکیل می‌شود؛بعنی از جلسات که حضور داشتیم نزدیک به ۶ ساعت ادامه یافت. و یا یازده‌بدهای خست‌جسته و دقیق از نمایشگاه کتاب و…

یکی با آن مواجه‌شدن، بحث شیوع وپروپ کرونا
بود. در حوزه واکسیناسیون دیدیم که دولت شهید رئیسی تحول ایجاد کرد و با چند برابر شدن تزریق واکنش بعد از روی کار آمدن شهید ابراهیم رئیسی، ایشان منجی مردم از ویروس کرونا شدند. اما در حوزه فرهنگ و هنر چه اقداماتی شد؟

روز ۲۱ شهریور ۱۴۰۰ به مناسبت روز سینما به تلویزیون دعوت شدم؛ به شهید رئیسی گفتیم یک هدیه‌ای به من بگویید که به این مناسبت به هنرمندان اعلام کنم. ایشان از من خواستند تا پیشنهاد بدهم، من هم گفتم که اعلام کنید دولت ۵۰۰ میلیارد تومان به سینماگران کمک خواهد کرد. شهیدرئیس گفتند عدد زیاد است، اما گفتیم ما حدود ۸۰ هزار عضو صندوق داریم، به هر کدام از این‌ها بخواهیم سه چهار میلیون تومان هم بدهیم تا این هنرمندان زندگیشان را در این شرایط سخت اقتصادی سال ۱۴۰۰ حفظ کنند بایستی ۵۰۰ میلیارد تومان به صندوق هنرمندان بدهیم که پرداخت شد. در چند نوبت به هنرمندان کمک‌های یک میلیونی، یک و نیم میلیونی و… کردیم تا کرونا بخوابد. این اتفاق مهمی بود. عید نوروز سال بعد هم کمک هزینه به همه هنرمندان کشور داشتیم. عضو صندوق هنر بودند و این یک مقدار فضا را عادی کرد. کرونا باعث شده بود که ادبیات حوزه فرهنگ و هنر تغییر کند. مثلاً به ما می‌گفتند که دیگر کسی نه سینما می‌دود و نه سینما می‌سازد. من روزی که وزارت فرهنگ



خیلی مهم بود: «ما حق نداریم مردم را به‌زور به بهشت ببریم.» به همین دلیل هم رهاسازی حوزه فرهنگ اتفاق افتاد. اما موقعی که وزارت ارشاد را تحویل دادم بود-چه این وزارت خانه ۱۷ برابر افزایش یافت. یعنی ابتدا ۱۲۰۰ میلیارد بود-چه در اختیار ما بود آن روزی که تحویل دادم این رقم را به ۲۲ هزار میلیارد تومان رساندیم. این درحالی است که طبق تورم ۱۲۰۰ میلیارد نهایتاً باید می‌شده ۴۰۰۰ میلیارد.

یکی از شعارهای دولت شهید رئیسی، عدالت فرهنگی بود. در این زمینه چه اقداماتی شد؟
ما این نقش را در حوزه فرهنگ و هنر برگزادیم. مثلاً بررسی کردیم یک بخش مهمی از حوزه فرهنگ و هنر در کشور از هیچ نوع حمایتی برخوردار نبود؛ دولت و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی عملاً تبدیل شده بود به جایی که فقط به بخش‌های خاصی از هنرمندان سروس می‌داد. ما یک شعاری را گذاشتیم به عنوان اقدام بعدی که آن عدالت فرهنگی بود. من ۲۵۰ سفر به شهرستان‌های کشور داشتم. یک‌یابم‌زد شهید آل‌هاشم را سال ۱۴۰۲ گفته بودم که آقای وزیر ۱۱ ابار به استان ما آمده و هر ۱۱ ابار هم تبرزین متوقف نشده و به شهرهای کوچک رفته است. ما در استان اردبیل‌چیان‌غربی و شهرستان سرودشت که شهر مظلومی است و تنها شهر شیمیایی دنیاست یک مجموعه با عنوان هفت‌تبر که از بین رفته بود را ظرف سه چهار ماه به ۲۰ میلیارد هزینه درست کردیم. یک هنرمند سال بعد هم کمک هزینه به همه هنرمندان کشور داشتیم. عضو صندوق هنر بودند و این یک مقدار فضا را عادی کرد. کرونا باعث شده بود که ادبیات حوزه فرهنگ و هنر تغییر کند. مثلاً به ما می‌گفتند که دیگر کسی نه سینما می‌دود و نه سینما می‌سازد. من روزی که وزارت فرهنگ

ساخته شد ازجمله راجع به هفت نفر از سرداران شهید فیلم داشتیم که بخشی از آنها نیز به جشنواره اخیر رسید. همچون فیلم شهید صیاد و سایر فیلم‌ها که قارایی دوره ما از آنها حمایت کردند. (سخت قضا قدری گرمای در یکی از روستاهای سرودشت زندگی می‌کند که ما به منزلش رفتیم و نشان درجه یک هنری به وی دادیم. این کار مثل بمب نوی مناطق کردنشین صادر که وزیر فرهنگ بلند شده آمده در یک روستای مرزی به یک پیرمرد ۱۰۷ ساله در سینما می‌دود و نه سینما می‌سازد. من روزی که وزارت فرهنگ



را تحویل گرفتم ۵۴۰ تا سینما در کشور فعال بود و روزی که تحویل دادم یعنی در کمتر از سه سال تقریباً یک رشد دو برابری پیدا کرد. ما برنامه داشتیم تا پایان دولت در ۱۴۰۴ این آمار به ۱۰۰۰ سال برسد. به هر حال می‌خواهم بگویم هم کرونا را شکست دادیم و هم از کرونا وارد یک دوره چالش دیگر شدیم؛ سرگردانی انتشار اثر هنری و یافتن راه‌حلی‌های دیگر برای کسب درآمد. چند اقدام کلان در ذهنم بود که اتفاق می‌افتد. یکی این بود که مرجمیت فرهنگ و هنر و وزارت ارشاد برگردد. وزارت ارشاد نقش هدایتگری، نقش نظارتی، نقش تنظیم‌گر و نقش حمایتیش تقویت بشود. مثلاً در حوزه نمایش خانگی دولت آقای روحانی از سال‌های ۹۵، ۹۶ برای اینکه مرجمیت را از صداوسیما بگیرد، پلنفرم‌ها را تقویت کرد. برای اینکه مخاطبان تلویزیون به فرهنگ‌ها و آثارهای گوناگونی که تقریباً هیچ نظارتی نداشتند متماایل شوند؛ این نگاه همه‌جا دنبال می‌شد، یعنی همان که عرض کردم؛ یک نگاه جمهوری اسلامی و حاکمیت و رهبر انقلاب بود که دولت نقش نظارتی، حمایتی و تنظیم‌گر دارد و یک نگاه دیگر این بود که دولت را نافی هر گونه نقشی در حوزه فرهنگی می‌دانند. آقای روحانی در زمان ریاست‌جمهوری، جمله‌ای گفت که

اگر صخره را برمی‌داشت، هجوم آب تمام قطر قنات را پر می‌کرد. ممکن بود میراب را خفه کند. چاره چه بود؟ باید کاری می‌کرد. مردم تشنه بودند.

بیرون چاه چه خبر بود؟

کدخدوا و انصارش – دلو به دست– انتظار می‌کشیدند. چشم انتظار پراب شدن قنات بودند، تا حالا از قوزک پا پایین‌تر رفته بود.

میراب کلنگش را بلند کرده به اذن الله، ضرباتی محکم بر کف قنات قوز آورده. قصد داشت چاله بزرگی حفر کند و صخره را هدایت کند داخل آن، تا راه آب باز شود. کف قنات ششنی نبود و ضربه‌ها را پس می‌زد. میراب ناامید نشد. کوبید و کوبید. هر ضربه، ابتدا یک‌باره آزاد می‌شد و میراب را مثل گلوله شلیک می‌کرد.

صدای عطشی و تصویر لب‌های تشنه بچه‌ها یک لحظه از ذهن میراب دور نمی‌شد. او با تیغه کلنگ، اطراف صخره را تراشید. صخره جان گرفت و تکان هم تشنه‌ها.



حمید سبزواری (شاعر) امیر حسین فردی (نویسنده) ابوالفضل علی (کالیگرافست) حسن شایانپار (محقق) شهید رسول کافیزاد (نگار) شهید احمد زارعی (شاعر) مهرداد اوستا (شاعر) سوزنیان فیاضی (کالیگرافست) حبیب‌الله معلمی (شاعر) علیرضا نژاد (شاعر) محمد علی کوبینی (نویسنده) علی محمد مودب (شاعر) محمد مهدی سیار (شاعر) سینژین وحبیدی (شاعر) لیدر صلیواتیان (نویسری)

روی آن. همچنین مثلاً یکی از سالن‌های موسیقی اصلاً نیاز به استفاده از میکروفون ندارد. سالن طوری تعبیه شده است که صدا به صورت عادی به همه می‌رسد.

و در زمینه کتابخانه‌ها، تئاتر، هنرهای تجسمی، معماری و…؟

پیرامون ساختار کتابخانه‌ها؛ مسأ منابع جدیدی را آوردیم، چون منابع برخی دولت‌های قبلی برای تبلیغ مجموعه استفاده می‌شدند. اما ما منابع جدید و مضاعف آوردیم در زیرساخت‌های فرهنگی استفاده کردیم. در حوزه تئاتر ما نزدیک به ۱۰ هزار مجوز تئاتر در سال صادر کردیم، در حوزه موسیقی همین اتفاق افتاد. همچنین در هنرهای تجسمی و معماری اگر بخواهم اشاره‌ای داشته باشم؛ همه ما در شهرها درخصوص معماری گلایه داریم اما برای اولین‌بار در جمهوری اسلامی سند معماری را تنظیم کردیم. همچنین معماری را جزء شاخه‌های هنری قرار کارخانه با وسایل و گیوم شده بالاستفاده بود و دانش فنی

گفت‌وگوی کیهان با محمدمهدی اسماعیلی
وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت سیزدهم

انحصارطلبی در فرهنگ و هنر را شکست داد

دادیم و در آنجا موظف کردیم که هر مجموعه ساختمانی ساخته می‌شود پیوست فرهنگی‌اش نیز باید به تصویب ارشاد برسد. بنا داشتیم سال گذشته نخستین جشنواره هنر معماری را برگزار کنیم.

در ماجرای فتنه پاییز ۱۴۰۱ و سنگ‌اننازی‌ها بفرمایید که چه اقداماتی را انجام دادید؟

راجع به فتنه ۴۰۱ این را عرض کنم که من تنها وزیر فرهنگی در تمام دوره‌های جمهوری اسلامی هستم که نه از طرف یک مجموعه بلکه از طرف جامعه مجموعه غربی تحریم شده‌ام. من را اتحادیه اروپا، آمریکا و بریتانیا تحریم کرده حتی کانادا نیز مرا تحریم کرده است. مرا به این دلیل تحریم کردند که ما این شاخ تحریم فرهنگی هنری آن‌ها را در جنگ ترکیبی ۱۴۰۱ تحریم کردیم. اینها در همه کشور و به همه هنرمندان فشار وارد می‌کردند. بعد نیز که رفتم، یک گروه فرستادم آنجا و بررسی کردند. یک طرح مطالعاتی آوردند که با حدود مثلاً ۵۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری در آنجا حاضر بودند. در صد مالکیت کارخانه را به ما بدهند و همه چیز نیز آماده بود. ولی… البته این را عرض کنم که ما وقتی سفر می‌رفتیم مثل این سفرهای طولانی برخی دوستان که نبوده؛ مثلاً من چهارشنبه می‌خواستم بروم، آقای رئیس‌جمهور گفتند که یکشنبه باید در جلسه هیئت‌دولت حضور داشته باشید. گفتیم ما این هواپیما بروم آنجا و برگردم فقط حدود ۴۰ ساعت در هوا هستم؛ بار کنید من کل اقامتم در ونزوئلا با هفت یا هشت ساعت اختلاف ساعت با ایران به کمتر از ۳۰ ساعت رسید و بیش از ۴۰ ساعت نیز در هوا بودم. دفعه بعد نیز که رفتم، یک گروه فرستادم آنجا و بررسی کردند. یک طرح مطالعاتی آوردند که با حدود مثلاً ۵۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری در آنجا حاضر بودند. در صد مالکیت کارخانه را به ما بدهند و همه چیز نیز آماده بود. ولی… البته این را عرض آغاز می‌شود اما بعد ۳۵۰ هزار تن کاغذ آنجا داشتیم و تمام آمریکایی جنوبی را می‌توانستیم پوشش بدهیم. من معتمد که خاوند برکت می‌دهد، شما یک قدم کوچک برداری دروازه‌های بزرگ‌تری برای شما از توفیقات ما می‌شود. این قضیه تولید کاغذ دقیقاً همین بود. از قضا بعدتر مدیران روزنامه ایران را که فرستادم آنجا، مدیر مسئولش تا نیم کارشانسی گفتند این سرمایه‌گذاری کاملاً به صرفه است و در مدت دو سال تمام سرمایه ما برمی‌گردد.

عملکرد دولت شهیدرئیسسی در حوزه کتاب چگونه بوده است؟
در حوزه کتاب نیز همین نسبت خوب را داشتیم. ما ظرفیت انتشار کتاب را از ۹۰ هزار مجوز در سال رساندیم به بالای ۱۲۰ هزار کتاب، به طوری که در همین سه سال با ده‌های قبلی قابل مقایسه نبود. ما حمایت از مؤلفین را شروع کردیم، صندوق هنرمندان در حوزه رسانه کلاً ۴۰۰۰ تا روزنامه‌نگار داشتیم اما زمانی که تحویل دادم ۱۲ هزار نفر بودند. ما مگر چقدر خبرنگار داریم، کل خبرنگاران در کشور عدش حدود ۱۷ و ۱۸ هزار ثابت که تعدادی از آن در نهادهای دولتی هستند مانند صداوسیما، ارشاد، خبرگزاری‌های وابسته قوه قضائیه و مجلس و…



در حوزه سینما چه اقداماتی داشته‌اید؟

در مورد حمایت‌های حوزه سینما در بنیاد قارایی وزیر نفت از آورده بودم جهت حمایت که یک وزیر ارشاد سابق توثیت کرده بود که وزیر کشاورزی هم عضو هیئت امنای قارایی می‌کردید. یک جاد دارد واقعاً از آقای لوچی تشکر کنم، ما بیش از ۳۰۰۰ میلیارد تومان پول از مسئولیت‌های اجتماعی وزارت نفت گرفتیم برای تأمین زیرساخت‌ها، سالن‌هایی که ما در ارومیه، ساری، یزد، کرمان و… افتتاح کردیم به آنها به کار رفته است از سالن‌هایی که در اروپا افتتاح شده بالاتر است.

بچه‌های دانشگاه شریف آمدند مثلاً در یزد یک سن بی‌ظنری ساختند که چهار کلیمون همزمان می‌تواند پرود کدخدا و انصارش دلوها را پر کردند. میراب برای ادامه بررسی، وارد راه‌های دیگر قنات شد. کدخدا آب را به تشنه‌ها رساند و برگشت. بعضی از انصار هنوز حرکت نکرده بودند. آن‌ها داشتند اسم کدخدا را روی دلوهایشان می‌نوشتند و امضا می‌کردند!

کدخدا تعجب کرد! چه می‌کنید؟ مردم تشنه‌اند. انصار گفتند: «کسی مثل تو دیگر پیدا نمی‌شود. شناخت مردم باید نسبت به تو زیاد شود. باید قدر تو را بدانند. تو به درد میرابی می‌خوری!» کدخدا برآشت: «به جای خورق مفت، دلوها را پر کنید و بنودید سمت تشنه‌ها. میرابی و کدخدایی و انصاری، همه بهانه است برای سیرابی مردم.» او منتظر واکنش انصار نماند. دلوهایش را دوباره پر کرد و دوبعد سایدید شد به دیوار قنات و تا دیگر به امضایشان جلا داد. نور امید داشت به دل افسرده مردم برمی‌گشت.خادم اشراف، احساس نگارنی کرد. به اعواش گفت: «اگر همین الان نجیبید، برای همیشه استخرهایتان خشک خواهد شد»

رجیم مخدومی – اردیبهشت ۱۴۰۴



سند ملی موسیقی مبتنی بر نظریات قفهی و با توجه به کتاب غنا و موسیقی تدوین و تنظیم شد و در نهایت در شورای عالی انقلاب فرهنگی که مدیر حوزه علمیه قم و رؤسای سه قوه و شخصیت‌های فرهنگی مورد اعتماد حضور دارند، تصویب شد تا توسط شهید رئیسی ابلاغ شود. سند موسیقی و سند تئاتر در آستانه ابلاغ بود اما بقیه هنوز مانده بودند. در این یک سال ابلاغ نشده است ولی همه اینها را ما آماده کرده‌ایم.

در حوزه دیپلماسی فرهنگی چطور؟
در دیپلماسی افرادی را به عنوان رایزنی‌های فرهنگی از طریق سازمان فرهنگ و ارتباطات به کشورهای مختلف برده که واقعا برای جمهوری اسلامی آورده‌های بسیار آقا هم در یکی از صحبت‌های دفاع مقدس به این فیلم اشاره کردند و فرمودند: «من شهید این فیلم حوض خون دارد ساخته می‌شود». یعنی ما آن قدر در این بحث جلو برد بودیم که حضرت آقا در هر جلسه‌ای که برای شهدای شهدای استانی خدمت ایشان می‌رسیدند، آنجا می‌گفتند که حتماً فیلم بسازید.

در دولت شهید رئیسی برخلاف خیلی تبلیغات صورت گرفته، توجه ویژه‌ای به حوزه موسیقی شد. تا جایی که به یاد دارم، تنها در دولت شهید رئیسی بود که یکی از مقامات شاخصی (به طور مستقیم مانع از برهم خوردن قانونی یک کنسرت موسیقی شد. همچنین این دولت تلاش زیادی برای به ثمر رسیدن سند موسیقی داشت…

بله، به هر حال موسیقی حوزه‌ای است که متشرعین ما کمتر به آن اقبال دارند اما ما برای شهدای استان قم سمفونی ویژه شهدای استان قم ساختیم. به طوری که آنرا وحدت پر بود از خانواده‌های شهیدا که این به جای کار معمول دست و سوت که می‌کشند آنجا سلام و صلوات وگره به بود. به غیر از سمفونی ویژه شهدای استان قم که ساختیم، برای چند تا از کنگره‌های شهدای دیگر نیز آثاری ساختیم. توجه به موسیقی نواحی نمونه‌ای دیگر از عدالت فرهنگی بود که ما مدنظر داشتیم.

ما یک مسئولی داشتیم که در همه حوزه‌ها اسناد بالادستی نداشتیم اما برای اولین‌بار در دولت آیت‌الله رئیسی در همه حوزه‌ها اسناد بالادستی ابلاغ شد. به طور مثال حوزه موسیقی ۴۵ سال دو تکلیفش روشن نبود، همه گویا با روبرو شدند. ما هم صحت می‌گفتیم که قبول داشتند و هم نداشتند. برای اولین‌بار در دولت آقای رئیسی سند ملی موسیقی آماده شد و در شورای عالی انقلاب فرهنگی تمام ریزی خورد. صدای هوره‌ور آب از پشت صخره بلندتر به گوش رسید. ناگهان شکاف‌هایی در اطراف صخره پدیدار شد و آب از چند جا فواره زد. میراب خودش را برای رویداد مهم آماده کرد. تشنگی مردم کهنه بود از زمان کدخدای قبلی، که آب را به جای جگر عطشناک تشنه‌ها به استخر اعواش می‌رساند. کار به جایی رسید که اطفال زیادی تلف شدند. بیماران طاقط نیازورند. طاقت مردم به طاق قنات و تا کدخدای خادم اشراف از کنار زدن و کدخدای خادم مردم را جاگیرکن کردند. حالا کدخدا با انصارش دور حلقه قنات، ندای میراب و خروش آب را انتظار می‌کشیدند.

داستانک

دلوها را خبرها پر می‌کنند!

کدخدا سر فرو برد داخل چاه.

میراب! میراب! کمک نمی‌خواهی؟

میراب آخرین ضرب‌هایی را کوبید. صخره مثل هوایلی زخمی از جا جهید. پیش از آن که میراب را زیر بگیرد، دست‌های قنات رفتند میراب – در چشم بر هم زدنی – صخره را فرو برد داخل چاله.

شتاب آب، کوبیده شد به میراب. کلنگ از دست

میراب افتاد و خودش گلوله‌ای شد. رها شده در لوله قنات. زحین شلیک، سایدید شد به دیوار قنات و تا کوره پیش رفت. کدخدا، هم خروش آب را شنید، هم معلق خوردن میراب را در آب دید. می‌خواست

که کمکش برود، میراب منصرفش کرد: «وقت را تلف

نکنید. دلوهایتان را پر کنید، بشناید سمت تشنه‌ها.